

ترانه‌های شبانه

کازوئو ایشیگورو

مقدمه: غبرایی

www.ketab.ir

ایشیگورو، کازونو. ۱۹۵۴ - م.

ترانه‌های شبانه / کازونو ایشیگورو، مترجم مهدی غبرایی.

تهران: ازدهای طلایی، ۱۳۹۳.

ISBN: 978-964-6830-77-0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Nocturnes: five stories of music and

nightfall, 2099.

داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.

غبرایی، مهدی، ۱۳۲۴ - مترجم.

۸۲۳/۹۱۴

ش ۲/ الف ۹۵۴/ pz ۳

۱۳۹۳

۳۵۴۴۶۰۹

کتابخانه ملی ایران

ترانه‌های شبانه

کازونو ایشیگورو

مهدی غبرایی

ترتیب چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک: ۰-۷۷-۸۶۳۰-۹۶۴-۱

کلیه حقوق محفوظ است.

مرکز بخش: ۶۶۴۰۴۵۳۲



کتابخانه ملی ایران

مقدمه

نجات تو را خواهم پس ای ستمانی که می‌نالد

لورکا - شاملو

کازوئو ایشیگورو در ۱۹۵۴ به دنیا آمده و از پنج سالگی هم انگلیس شده است. در ۱۹۸۲ با اولین رمانش، چشم‌انداز پریده‌رنگ تپه‌ها، - نیز به عنوان «فرد هولستی» دریافت داشت. سه سال بعد، رمان دومش، هنرمندی از جهان شناس، - برای جایزه کتاب سال ویتبرد و در ۱۹۸۹ سومین رمانش، بازمانده‌ی روز پرنده‌ی - برای بوکر شد. در ۱۹۹۵ رمان بلند تسلی‌ناپذیر، در ۲۰۰۰ وقتی تیم بودیم، در ۲۰۰۴ هرگز ترکم مکن و اکنون، در ۲۰۰۹، پنج داستان پیوسته را که خود می‌نویس می‌توان آن را چیزی بین داستان‌های کوتاه و رمان هم تلقی کرد، نوشته است. مترجم آخرین رمان او، هرگز ترکم مکن، را نیز به خوانندگان فارسی‌زبان تقدیم کرده و در مؤخره‌ی آن به قدر وسع به دغدغه‌های ایشیگورو پرداخته است.

در اینجا لازم می‌دانم قدری به زبان و لحن و نوع روایت دو کتاب اخیر و تفاوت آن با بازمانده‌ی روز بپردازم. کازوئو ایشیگورو مانند همتای دیگرش، هاروکی موراکامی، جزو نسل پس از جنگ جهانی دوم است که خود را از نثر رسمی و موقر نسل قبل رها نه‌اند و با تأثیر گرفتن از ادبیات غرب به نثر ساده و جانداري رو آورده‌اند. این موضوع در مورد ایشیگورو بیش‌تر مصداق دارد که نشو و نمایش اصولاً در غرب (لندن) بوده است. اینکه یکی از مترجمان پیشکسوت ما در ترجمه‌ی بازمانده‌ی روز بنا به ذوق و سلیقه‌ی سلیم خود نثر نیمه‌رسمی و شبه‌قاجاری را به درستی رمی‌گردد و ترجمه‌ی استواری به زبان فارسی ارائه می‌دهد، طبعاً دلیل آن نیست که در مکتب نویسنده در دیگر آثارش نیز از همان نثر برخوردار است. به علاوه می‌تواند بنا به آرونمایه‌ی رمان‌ها و داستان‌هایش و با توجه به تجربه و سن و سالش چنین نثری را می‌گزیند که به حس و حال داستان نزدیک باشد.

دوست همکای می‌نفت: «در زمان جوانی کتاب‌های 'ایلیاد' و 'اودیسه' را می‌خواندم و سعی می‌فهمیدم نظم هومر در کجاست. ما که خودمان فردوسی بزرگ را داریم که هنگام هزیمت به جنگ، واژگان فریاد برمی‌دارند و هرای کوس و بانگ کرنای را می‌شنوی هنگام هزیمت و شکست، واژگان می‌نالند. پس این‌ها در ترجمه‌ی دو نامیده کجاست؟ تا به سن عقل رسیدم و ترجمه‌ی انگلیسی را خواندم و فهمیدم ای دل غافل...»

با عنایت به نکات گفته‌شده، فضای رمان *ترکم مکن* مکن که جانمایه‌ی آن شبیه‌سازی انسان است، فضایی رازآمیز، ساکت و اندوهگین و تلخ داشت و لازم می‌آمد همنشینی واژگان طوری باشد که تمام این حس و حال را به خواننده القا کند و تمام کوشش من در رساندن همین مقصود بود. اگر در بازمانده‌ی روز، واژگان نوکرماپی و خشک‌مغزی و خودباختگی و پریاد رفتن عمر را ندا می‌داد، در هرگز *ترکم مکن* واژگان باید می‌نالیدند. اما در داستان‌های آوازهای شبانه که حول محور موسیقی می‌چرخد و

مضمون اصلی آن عشق و سوء تفاهم است، در کنار مایه‌های ازلی و ابدی بلندپروازی، سرگردانی، نفع‌طلبی، آرمان‌گرایی و ... لحن در عین آنکه خالی از اندوه نیست، شاد است و همراه با رگه‌های زیرجلدی طنزی ملایم. علاوه بر این، یکی دیگر از مضامین مکرر این داستان‌ها ستایش از جوانی یا شاید به نحوی همان جست‌وجوی زمان از دست‌رفته یا حتی دم غنیمت شمردن^۱ باشد. زمان می‌گذرد و وصال طعم اندوه دارد، زمان می‌گذرد و فراق رد آنرا به جا می‌گذارد، زمان می‌گذرد و شکست و موفقیت در عیار آنچه گذشته و نیست با تراز اندوه سنجیده می‌شود. تنها چیزی که به جا می‌ماند وسیقه و ترانه‌ای است که فقط به قدر چند دقیقه، سیلاب‌های زمان و جوی بی‌پایان را مهار می‌کند. پس این‌ها باید در اجرای نثر فارسی درمی‌آمد تا رسته بی‌مغز به دست خواننده نرسد. به عبارت دیگر، در اینجا واژگاری باید در پیوندی با زهر سوء تفاهم و محال بودن عشق گرفته شود و کورسوی امید به جا ماندن می‌بینید که این نثر به ظاهر ساده و بی‌پشت چه و چه‌ها دارد. ابتدا من هم به همین دام فریبنده افتادم (... که عشق آسان نمود اول ... بعد کار برد و برد، تا ... نمی‌دانم تا چه حد موفق شده‌ام، فدا که رضایت داده‌ام. دیگر داوری با خواننده است.

و یک نکته:

Nocturnes همچنان که از داستان اول برمی‌آید، ترانه‌ها و آوازهایی است که معمولاً گیتار (یا ساز دیگری در دست) پای پنجره برای محبوبه می‌خوانند. همچنین از دوست جوانم، پویا رفویی، که زحمت ویرایش کتاب را به عهده گرفت، تشکر می‌کنم.

1. carpe diem